

نگاه جای خالی «درس‌های زندگی» علی صادقی

● دوستی می‌رسید چرا خانواده‌ها نقش آموزشگاه‌های خصوصی را برای فرزندان خود، مهم‌تر از مدارس ارزیابی می‌کنند؟ می‌گفت چرا مدارس چنین وضعیتی دارند که خانواده‌ها حاضر هستند با پرداخت مبالغ بسیار زیاد، فرزندان خود را برای رفع کاستی‌های مدراس به این آموزشگاه‌ها بفرستند؟ خودش بخشی از جواب را هم داد که به دلیل رقابت شدید میان بچه‌ها، کنکور و… است. پس از گوش‌دادن به صحبت‌های آن دوست، به نظرم رسید که درباره آنچه پرسیدید و آنچه نرسیدید، چند خطی بنویسم. آنچه پرسید، مساله مهمی است که به دلیل به‌کارگیری روش‌های نسنجیده و ضعف مدیریتی و برنامه‌ریزی‌های آموزشی نامطلوب، منتکلاتی را ایجاد کرده، به این دلیل بازنگری در شیوه‌های برنامه‌ریزی و روش‌های تدریس را ضروری می‌سازد. به این منظور که نظام آموزشی با تکیه بر شیوه‌های تدریس سنتی، دیگر پاسخگو نیست و نمی‌توان با محوریت معلم در نقش سخنران، با آنچه در نظام‌های آموزشی کشور‌های پیشرفته و موفق جریان دارد، همگام و به‌کثوری توسعه‌یافته تبدیل شد. دانش‌آموزان در نظام آموزشی سنتی به حفظ کردن مطالب و امتحان‌دادن مشغول هستند و مجالی برای بروز استعدادها و خلاقیت‌های آنان ایجاد نمی‌شود، ازاین‌رو به تدریج تحرک و پویایی خود را از دست می‌دهند و نقش محوری معلم به سبک قدیم، روحیه نقادی و پرسشگری را از دانش‌آموزان می‌گیرد. در حالی که دانش‌آموزی «گفتگو» و مهارت‌های گفتگو را در مدرسه بیاموزد در قرن بیست‌ویکم نمی‌توان نسبت به تحولات دنیا بی‌اعتنا بود و انتظار بهبود و اصلاح امور را داشت. تنها راه موجود، هماهنگی با دانش جدید، فلسفه‌های تعلیم‌وتربیت مدرن و به‌رم‌مندی از تجربه کشور‌های پیشرفته است و این مدرن‌سازی باید به‌کاربرد آثاری مانند «تجکبختنه» و همین‌طورافکاری که مانع رشد و شکوفایی انسان در دنیای کنونی است، خاتمه دهد. توجه به نقش معلم نیز بسیار ضروری است زیرا توجهی به جایگاه معلم یکی از دلایل وضعیت نابسامان کنونی آموزش‌وپرورش در ایران است. تا هنگامی که جایگاه اجتماعی، دانش و حقوق و درآمد معلمان پایین باشد، هیچ تحول چشمگیری صورت نخواهد پذیرفت. به‌ویژه وقتی در جامعه‌ای معلمان چندشغل دارند بلکه بتوانند مسایل معیشتی خود را حل کنند.

حدود ۲۰ سال قبل بود که نویسنده نامدار کشورمان دکتر محمدعلی اسلامی‌ندوشن در کتاب «سخن‌ها را بشنویم» به نکاتی درباره «مشکل آموزش و جوانان» پرداخت که در راستای مطلبی بود که از ایشان در مجله پند (سال ۱۳۳۸) با عنوان «از آموختن چه حاصل؟» انتشار یافته بود. ایشان مساله را دقیق‌تر واکاوی کرده و از موازنه میان تن و روان سخن به میان آورده بودند که اگر مسئولیت‌پذیر نباشیم و نظم و تدبیر و امید را از جوانی سرلوحه قرار ندهیم، آینده روشنی در کار نخواهد بود؛ «به جوانی بهار زندگی لقب داده شده است و به جوانان امید آینده ولی نمی‌دانیم که این بهار و امید چه نوبدی برای آینده ایران در خود دارند» و اینجاست که می‌توان به آنچه آن دوست نرسید، اشاره کرد. پس از بازنگری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مکرر درخصوص متون درسی، نتیجه چه بوده؟ آیا‌امان آن فرارسیده‌تا مشخص شود،نقش و تاثیر دروس و آموزه‌های علمی در زندگی عادی و روزمره دانش‌آموزان چه بوده؟ مگر نه اینکه متون درسی بیش از هر چیز باید «درس‌های زندگی» و اصول زندگی نیک و اصیل را به دانش‌آموزان انتقال دهند؟ آیا پس از اتمام تحصیلات در مدرسه (تاقبل از ورود به دانشگاه) یک جوان به وضعیت مطلوبی دست یافته یا به‌بترین شرایط، ریاضی و تاریخ و جغرافیا را خوب می‌داند و پس؟ آیا با به‌کارگیری آنچه در بهترین سال‌های عمرش آموخته، به‌عنوان یک شهروند از رفتار و اخلاق خوبی برخوردار شده و در تنظیم روابط خود با دیگران و در مناسبات اجتماعی توانایی‌های لازم را به‌دست آورده؟ آنچه آموخته و متونی که با آن رشد یافته، در متن زندگی اجتماعی به چه کار او می‌آید و تا چه اندازه در رفع مشکلات و تاثیر خواهد داشت؟ .. اگر این سوالات را هم به سوال آن دوست، اضافه کنیم، علت برخی ضعف‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی بهتر درک می‌شوند.

«مشاور مدیرکل اسبق آموزش‌وپرورش اصفهان

آتش‌نشان‌ها در مرگ ۲ زن کمترین تقصیر را داشتند

گفت‌وگوی «شرق» با همکار ۲ آتش‌نشان بازداشتی: قرار دادند، اما ی‌پذیرفتنی است که برای نجات آنها اینقدر با تاخیر عمل نشود؛ چون اگر زودتر اقدام می‌شد، امکان نجات آنها وجود داشت.

ماجرای آتش‌سوزی خیابان جمهوری تهران و مرگ دو زن در آن حادثه تا اینجا کار به بازداشت دو آتش‌نشان انجامیده است. این خبر را عصر روز سوم بهمن‌ماه یک منبع آگاه به خبرگزاری فارس اعلام کرد. بر اساس دستور بازپرس پرونده، مسؤول یکی از ایستگاه‌های آتش‌نشانی مرتبط با حادثه آتش‌سوزی خیابان جمهوری و همچنین ابراتور خودرو آتش‌نشانی حامل نردبان نجات، دو آتش‌نشان بازداشت‌شده در این ماجرا هستند. حالا سرور از بازداشت این دونفر می‌گذرد. در همین حال یکی از آتش‌نشانان همکار این دونفر در این باره با «شرق» به گفتگو نشسته است. او که به دلایلی حاضر به انتشار نام خود نیست، می‌گوید در همان ایستگاهی کار می‌کند که روز حادثه برای خاموش کردن آتش ساختمان شماره ۱۱۷ با آنجا تماس گرفته شد. مشروح این گفت‌وگو در ادامه آمده است:

۴ بر اساس فیلم‌هایی که روز حادثه آتش‌سوزی گرفته شده، مشخص است، آتش‌نشانی که در حال پاشیدن آب است، بیشتر از آنکه به سمت قسمت‌های در حال سوختن ساختمان آب پاشد به محل ایستادن حادثه‌دیده‌ها آبیاشی می‌کند، آیا به‌لحاظ منطق کار شما این اقدام صحیح بود، چون برخی می‌گویند همین آبیاشی باعث سقوط یکی از آن افراد شده است؟ اگرچه من در همان ایستگاهی کار می‌کنم که برای کنترل این آتش‌سوزی اقدام کرد، اما چون آن روز شیفت کاری من نبود در این عملیات حضور نداشتم، اما فیلم‌های حادثه را دیدم. نکته‌ای که در این‌باره باید گفته شود این است که در این حادثه چون نمای ساختمان فلزی بود و فلز بیشتر از هر ماده دیگری گرم‌ا را به خود می‌گیرد افرادی که از نمای ساختمان آویزان شده بودند تماس دست‌ها و بدنشان با فلز بود و امکان داشت که آنها به‌دلیل این گرمای شدید، مجبور به رهاکردن خود شده‌اند، تصور من این است که همکار ما با هدف کمک به خنک‌کردن این افراد، اقدام به آبیاشی به سمت آنان کرده است.

یعنی اگر خود شما در این عملیات حاضر بودید هم به‌اگر من هم بودم این کار را می‌کردم چون می‌دانستم صد‌صد به‌دلیل گرمای زیاد ممکن است دستش را ول کند. یعنی شما هم اینکه گفته می‌شود عملکرد جانبی‌ات‌گان در سقوط و مرگشان موثر بود را قبول دارید؟ داخل ساختمان مستقر بودیم چون حادثه در طبقه پنجم‌فردی که در داخل ساختمان ماندند نجات پیدا کردند، به‌نظر شما آیا جانبی‌ات‌گان، خودشان، مقصر نبودند؟ ۴ به‌هرحال آستانه تحمل و نحوه مواجهه افراد در بحران‌ها ششیه هم و به یک میزان نیست، اجازه دهید اینطور تصور کنیم که دونفر فرضی در حادثه‌ای، نه برای آنکه مسئول سرکشی است و همیشه محلات مختلف شهر را

گفت‌وگوی «شرق» با همکار ۲ آتش‌نشان بازداشتی: قرار دادند، اما ی‌پذیرفتنی است که برای نجات آنها اینقدر با تاخیر عمل نشود؛ چون اگر زودتر اقدام می‌شد، امکان نجات آنها وجود داشت.

قرار از آتش که به‌دلایلی دیگر در چنین شرایطی، گیر کرده با اصلا برای خودکشی، خود را در چنین موقعیتی قرار داده‌اند، آیا پذیرفتنی است که برای نجات آنها اینقدر با تاخیر عمل نشود؟ چون اگر زودتر اقدام می‌شد، امکان نجات آنها وجود داشت. هرچیزی را باید بسته به شرایط خودش بررسی کرد، کسی که می‌خواهد خودکشی کند، شرایطش با کسی که در موقعیت قرار از آتش قرار دارد، فرق می‌کند. در موارد خودکشی ما روانشناسانی داریم که با آنها صحبت و فرد را کنترل می‌کنند، اما در این قضیه اینطور نبود، در بحث ایمنی بحث زمان خیلی مهم است.

۴ بر اساس اعلام شاهدان حادثه ماشین‌های آتش‌نشانی خیلی سریع و به‌موقع خود را رساندند، اما بازنشان نردبان مشکل ایجاد کرد، آیا چنین اتفاقی تقصیر را متوجه آتش‌نشانی نمی‌کند؟ ایستگاه ما نزدیک‌ترین ایستگاه به حادثه بود و همکاران ما هم در سریع‌ترین شرایط ممکن خود را به محل حادثه رسانده‌اند، هرکسی که پیگیر این ماجراست می‌تواند برای درک سرعت عمل آتش‌نشانی برای رسیدن به محل حادثه این موضوع را بررسی کند که ماشین‌های ما واقعا سریع‌تر از چیزی که امکان داشت خود را به محل حادثه رساندند، اما اینکه ماشین با وسایل دچار نقص فنی شوند دیگر تقصیر آتش‌نشان‌هائست.

آیا نباید این وسایل قبل از عملیات مورد بررسی قرار می‌گرفت که متوجه نقص فنی آنها می‌شدند؟ این ماشین همان صبح چک شده و سالم بوده اما در مسیر راه خراب شده است. این نردبان هم مانند همه دیگر وسایل آتش‌نشانی تهران هرروز در ایستگاه تست می‌شود، هرروز ساعت هفت صبح بدون استثنا، بازوهای نردبان چک می‌شود، ماشین‌های ما طوری است که در صورت بروز کوچک‌ترین نقص‌فنی‌ای از رده خارج می‌شوند. ۴ در مسیر چه اتفاقی ممکن است رخ داده باشد که چنین ابزار حساس و مهمی را از کار انداخته است؟ من واقعا نمی‌دانم. اما خیابان‌ها و محله‌های ما استانداردها نیست، مثلا چاله‌چوله‌های آسفالت یا مواردی مانند این ممکن است دخیل باشد. اما نکته دیگری که تاکنون کمتر به آن توجه شده است نامانی و خطرناک‌بودن بسیاری از ساختمان‌های شهر به‌خصوص در بافت‌های قدیمی است، به‌عنوان مثال بازار تهران از نظر فشرده‌گی، برق کشی و… اصلا استاندارد نیست، تاکنون هم تذکرات بسیاری در این باره داده شده است اما تاثیری ندارد. می‌توانم بگویم بافت قدیمی تهران از نظر ایمنی پایین‌ترین سطح را دارد، اما آتش‌نشانی که مسوول برق کشی یا غیراستانداردبودن ساختمان‌ها نیست. با این‌همه در سازمان آتش‌نشانی بخشی را داریم به نام واحد پیشگیری و بازدید که مسوول سرکشی است و همیشه محلات مختلف شهر را

ب‌لحاظ مسایل ایمنی چک می‌کند و موارد لازم را به شهرداری اعلام می‌کند تا پیگیری شود.

آیا در مورد این ساختمان تاکنون تذکراتی داده شده بود؟

بله در مورد همین ساختمان من می‌دانم که سیمار به‌دلیل ناامنی نامه زده شد، واحد پیشگیری و بازدید اماکن سیمار نامه زده و مشکل فنی و ایمنی را گوش‌زد کرده است، یعنی به شهرداری گفته می‌شود و شهرداری هم موظف است به صاحب ساختمان تذکر دهد.

می‌شناسید؟

بله؛ همکاران من هستند، یک‌نفر که رییس ایستگاه بود و دیگری مسوول نردبان بود، رییس ایستگاه سابقه بسیار خوبی دارد و تا جایی که من می‌دانم تاکنون به‌دلیل عملکردش بیشترین امتیاز اسمال را به دست آورده بود و قرار بود اسمال به‌عنوان رییس ایستگاه نمونه‌شهر تهران انتخاب شود. مسوول نردبان هم دوره تخصصی نردبان را در خود سازمان آموزش دیده است.

این دونفر چه سن و سالی دارند؟ رییس ایستگاه حدود ۵۰ سال دارد و آتش‌نشان دیگر حدود ۵۵ساله است. ۴ این دونفر چه سن و سالی دارند؟ رییس ایستگاه حدود ۵۰ سال دارد و آتش‌نشان دیگر حدود ۵۵ساله است. ۴ این دونفر چه سن و سالی دارند؟ رییس ایستگاه حدود ۵۰ سال دارد و آتش‌نشان دیگر حدود ۵۵ساله است. ۴ این دونفر چه سن و سالی دارند؟

نماینده شرکت واردکننده تجهیزات آتش‌نشانی درباره آتش‌سوزی «جمهوری»:

شهرداری؛ مجوز «سرویس» دوره‌ای تجهیزات را نداد

درخواست ملاقات ما با قالیباف به دلیل کمبود وقت وی به نتیجه نرسید

گفت‌وگوی «شرق» با همکار ۲ آتش‌نشان بازداشتی: قرار دادند، اما ی‌پذیرفتنی است که برای نجات آنها اینقدر با تاخیر عمل نشود؛ چون اگر زودتر اقدام می‌شد، امکان نجات آنها وجود داشت.

آموزش‌های لازم را به او نداده‌اند در چنین حادثه‌ای مقصر دانست؟ بغض‌نر من مثلاً در این حادثه نمی‌توان گفت که مقصر یک‌نفر است، در حقیقت یک مجموعه مقصر است، شهرداری، آموزش‌وپرورش، صداوسیما، خود فرد حادثه‌دیده و آتش‌نشانی باید آموزش‌های لازم داده می‌شد. خود شهروندان هم باید علاقه‌ای به گرفتن این آموزش‌ها داشته باشند؛ چیزی که اساسا در بین شهروندان ما جدی گرفته نمی‌شود. مردم ما برای بالا رفتن آگاهی ایمنی‌شان هیچ تمایلی ندارند، مثلا حتی همین حادثه که بازتاب بسیاری هم داشت خیلی مردم را مشتاق نکرده که یاد بگیرند که در مواردی اینچنینی چگونه جان خود را نجات دهند. در صورتی که ممکن است مشابه چنین چیزی برای هرکسی به‌وقوع بپیوندد.

شما عوامل مختلفی را در حادثه‌ای مثل آتش‌سوزی ۴ جمهوری دخیل دانسته‌اید، اگر بخواهید از بالا به پایین مقصرهای اصلی را بگویید بر چه اساسی ترتیب آن را اعلام می‌کنید؟ نمی‌توانم نظر بدهم چه‌کسی اول است و چه‌کسی در رده‌های بعدی قرار می‌گیرد، اما واقعا بدون دخالت‌دادن شغل خودم- به‌عنوان یک آتش‌نشان- می‌گویم کم‌ترین درصد تقصیر را به آتش‌نشانی می‌دهم.

دستگیری این دو آتش‌نشان چه بازتابی میان همکارانتان داشته است؟ بغض‌نر من واقعا دستگیری این دونفر، اقدام جولانه‌ای بوده، در شرایطی که هنوز نتیجه کارشناسی اعلام نشده است و این دو همکار ما را دستگیر کرده‌اند، قضا به شکل نامناسبی رقم خورده و جو بدی علیه آتش‌نشانی درست شده است، در حالی که ما آتش‌نشان‌ها، تاکنون کشته‌های بسیاری دادیم، این آتش‌نشان‌ها همان آدم‌ها هستند، بچه‌های ما مضموم زیاد می‌دهند، دست‌شکسته، پای‌شکسته، اکثر بچه‌ها به‌لحاظ زانو مشکل دارند، لباس‌ها سنگین، کوله‌ها سنگین، سبیلنگ آب سنگین و… اما در چنین موردی به‌دلیل یک اشتباه فنی دونفر آتش‌نشان بازداشت‌شده‌اند.

آیا به‌هرحال افکار عمومی واکنش بسیار زیادی به این موضوع نشان داده است و مسوولان هم احتمالاً برای اینکه نشان دهند در حال رسیدگی به موضوع هستند این کار را کرده‌اند، به نظر‌تان اگر مثل همه‌جای دنیا مسوولان و روسای آتش‌نشانی با اعلام خبرخواهی از کار خود استعفا می‌دادند بهتر نبود؟ نه ما به‌عنوان آتش‌نشان دوست نداشتم مسوولان سازمان این کار را بکنند، چون استعفا و عذرخواهی یعنی پذیرفتن مقصروبن آتش‌نشانی در حالی که ما مقصر نیستیم، مسوولان هم باید اجازه می‌دادند کارشناس حادثه کارش را انجام می‌داد، به پایان می‌رساند و نظارش را اعلام می‌کرد بعد اگر مقصروبن آتش‌نشانی محرز می‌شد چنین کاری می‌کردند.

 IVECO MAGNUM	 IVECO MAGNUM
---	---

طاعت فنی و بدکی این نردبان‌ها را نمی‌دهد. سپس رفته بودند با یک شرکت کرایه قرارداد بسته بودند. بعد که ما این ماجرا را فهمیدیم، پیگیری کردیم و دیدند چنین چیزی نیست و وقتی با شرکت سازنده مکاتبه کردیم، اعلام کردند ما حاضرمی قطعات یدکی را تحویل بدهیم اما این اتفاق رخ نداد. ۴ شما عنوان می‌کنید که قرارداد خرید بدون دخالت شما بسته شده بود، پس چرا درخواست صدور مجوز بازبینی و سرویس تجهیزات را داشتید؟ این قرارداد میان شهرداری و شرکت آلمانی تولیدکننده بسته شده اما اجرائی نشده بود و با ورود و پیگیری ما به‌عنوان نماینده شرکت آلمانی در ایران قرارداد اجراء شد و ما تجهیزات و ماشین‌آلات را وارد و به شهرداری تهران تحویل دادیم.

واکنش مدیر روابط عمومی معاونت خدمات شهری

خطرناک است. تنها جواب موجود به این نامه دستور مهدی سیف، رییس دفتر و مشاور عبدالهی، معاون خدمات شهری شهرداری تهران برای مدیرعامل آتش‌نشانی تهران است که طی آن خواسته شده که «درخواست و مشکلات شرکت فوق بررسی و اقدام مقتضی را به عمل آورید و نتیجه را هم اعلام فرمایید» که اجرائی نمی‌شود. حالا با انتشار متن نامه شرکت ایوبکو به مجموعه خدمات شهری ابعاد جدیدی از حادثه خیابان جمهوری روشن می‌شود.

سازمان آتش‌نشانی: ۱۳ هزار نفر هستند که حدود شش هزار نفر از آنها متقاعد شده‌اند

قائم‌مقام بنیاد ملی نخبگان مطرح کرد آمریکا، کانادا و انگلیس ۳ کشور اصلی مقصد نخبگان

● مه‌ر: قائم‌مقام بنیاد ملی نخبگان با تاکید بر اینکه بیشترین نخبگان ایرانی در سه‌کشوری هستند که ایران با آنها رابطه سیاسی ندارد، گفت: تنها مکانیسم ایجاد ارتباط با این افراد مکانیسم علمی است که قرار است تشکیلاتی در این زمینه در بنیاد ایجاد شود. سعید سهراب‌پور با اشاره به سخنان اخیر وزیر علوم درخصوص خروج نخبگان از کشور افزود: اخیرا اعلام شده سالی ۱۵۰ هزار نفر از کشور مهاجرت می‌کنند، این در حالی است که نخبگانی که تحت‌پوشش بنیاد هستند ۱۳ هزار نفر هستند که حدود شش هزار نفر از آنها مخترع و برترین‌های آزمون سراسری بوده و تعداد دارندگان مدال‌های المپیادها چهار هزار نفر است. از این رو همه نخبگان تحت‌پوشش بنیاد نیستند. قائم‌مقام بنیاد ملی نخبگان با اشاره به تلاش‌های این نهاد برای ایجاد ارتباط با نخبگان خارج از کشور، گفت: در حال حاضر نخبگان ما در سه‌کشور آمریکا، کانادا و انگلیس هستند که ما با این کشورها رابطه سیاسی نداریم که این امر موجب شده ایجاد ارتباط با این نخبگان به راحتی صورت نگیرد. وی تنها مکانیسم ارتباط با این افراد را مکانیسم علمی ذکر کرد و افزود: بر اساس آیین‌نامه‌ای که در این زمینه مصوب شده است نخبگانی که در کنفرانس‌های علمی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی مشارکت کنند هزینه‌های رفت و آمد آنها از سوی بنیاد ملی نخبگان تامین خواهد شد. سهراب‌پور از ایجاد تشکیلات مستقل برای ایجاد ارتباط با نخبگان در سطح ملی نخبگان خبر داد و اظهار کرد: با ایجاد معاونت امور بین‌الملل در معاونت علمی و بنیاد ملی نخبگان قرار است تشکیلاتی در زمینه فعالیت‌های بین‌المللی و ارتباط با نخبگان خارج از کشور در بنیاد ایجاد شود.

دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر هشدار داد ۵۰۰میلیون تومان گردش مالی هر کیلو موادمخدر در کشور

● ایسنا: وزیر کشور با بیان اینکه ۳۴درصد از افراد معتاد، متاهل و ۵۳درصد، شافل هستند گفت: علت ۵۰درصد از طلاق‌های کشور مساله «اعتیاد» است، عبدالهادی نجاتی، وزیر کشور و دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر در نشست مشترک و دبیران سازمان تبلیغات اسلامی و اعضای کانون مداحان کشور، گفت: با توجه به اینکه جامعه مداحان به‌عنوان یکی از شبکه‌های اجتماعی موثر و دارای جایگاه بالا در جامعه هستند، وزارت کشور در راستای رویکرد اجتماعی کردن موضوع اعتیاد، نشست‌های متعددی با تشکل‌های مهم برگزار می‌کند که کانون مداحان نیز به لحاظ این تاثیرگذار یکی از مهم‌ترین شبکه‌های موثر جامعه محسوب می‌شود. رحمانی‌فطلی گفت: به توجه به گردش مالی بسیار بالایی که در حوزه موادمخدر وجود دارد از لحاظ اقتصادی برای قاچاقچیان می‌صرف، به طوری که اگر در مرز هر کیلو موادمخدر ۲۰۰میلیون تومان باشد در کل کشور ۵۰۰میلیون تومان عرضه می‌شود بنابراین گردش مالی بالا: از لحاظ اقتصادی به قدری وسوسه‌انگیز است که با وجود تلاش‌ها از قاچاقچیان عقب هستیم. دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر گفت: اگر در گذشته تنها ماده مخدر، تریاک محسوب می‌شد، امروز انواع و اقسام آن به‌ویژه مخدرهای صنعتی افزایش یافته و به صورت خطرناک مورد استفاده قرار می‌گیرند، به‌طوری‌که برای هر امراض و بیماری‌ی نوع از این مخدرهای صنعتی جایگزین درمان معرفی می‌شود که نمونه‌های بارز آن تجویز برای استرس، افسردگی، کاهش یا افزایش وزن، تمرکز در شب‌های امتحان برای دانشجویان، ناراحتی‌های جنسی و پوست و… هستند. توجه به اینکه آگاهی‌های جامعه و مصرف این مواد، کم است آنها نمی‌دانند حتی یک یا دو بار مصرف این قرص‌ها امکان بازگشت را از افراد می‌گیرد و بر همین اساس، در حال حاضر یک‌میلیون و ۲۵۵هزار معتاد در کشور وجود دارد وزیر کشور اظهار کرد: از سال ۸۶ به بعد از نظر سنجی‌ای که توسط دستگاه‌های مختلف صورت گرفته اولین دغدغه مردم و خانواده، بحث اعتیاد بوده و بیکاری دغدغه دوم آنها محسوب می‌شود. وی اظهار کرد: اگر این تعداد معتاد، هر کدام دارای چهار عضو در خانواده باشند در حال حاضر می‌توان گفت میلیون‌نفر به صورت مستقیم با موادمخدر ارتباط دارند. به گفته دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر، ۶۳درصد معتادان، متاهل و ۵۳درصد، شافل هستند. همچنین ۵۰درصد از طلاق‌های کشور نیز به علت اعتیاد صورت می‌گیرد که اگر برای هر زوجی که طلاق می‌گیرند دو فرزند را متصور شویم با یک مقوله بسیار گسترده از آسیب‌ها در جامعه مواجهیم. به گزارش ایسنا، وی درباره کاهش سن اعتیاد در کشور نیز گفت: براساس نظرسنجی‌های صورت‌گرفته، ۱۴درصد معتادان از معتادان دارای مدرک لیسانس و ۷۰درصد دیپلم دارند. همچنین ۴۶درصد از زندانیان، افرادی هستند که مستقیم با موادمخدر ارتباط داشته‌اند و ۵۸درصد از زندانیان نیز به صورت غیرمستقیم با موادمخدر در ارتباط بوده‌اند. به گفته دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر، بسیاری از روش‌های قبلی و ناتوانی‌هایی که در گذشته وجود داشت، باید جبران شوند و بر همین اساس تصمیم وزارت کشور بر اجتماعی کردن موضوع اعتیاد و از بین بردن نگرانی و حساسیت آن در بین مردم بوده است. وی با تاکید بر اینکه پیشگیری، درمان، مقابله و صیانت از معتادان ترک کرده از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی وزارت کشور در حوزه موادمخدر است، خاطرنشان کرد: در امر مقابله، پلیس وظیفه اصلی را دارد اما بحث پیشگیری، درمان و صیانت از معتادان موضوعاتی هستند که باید با مشارکت فوق بررسی و اقدام مقتضی را به عمل آورید و نتیجه را هم اعلام فرمایید» که اجرائی نمی‌شود. حالا با انتشار متن نامه شرکت ایوبکو به مجموعه خدمات شهری ابعاد جدیدی از حادثه خیابان جمهوری روشن می‌شود.